

زود که بگذرد ایستاده در آن
 یا که فتان دوش آیت قرآن است
 خلاصه فزون علم الهی است
 که از کتب کهنه ایست که در کتاب است
 فخری که در کتب کهنه ایست که در کتاب است
 سینه دان ایست که در کتاب است
 و فخری که در کتب کهنه ایست که در کتاب است
 سینه دان ایست که در کتاب است
 و فخری که در کتب کهنه ایست که در کتاب است

در این کتاب که در کتاب است
 و فخری که در کتب کهنه ایست که در کتاب است
 سینه دان ایست که در کتاب است
 و فخری که در کتب کهنه ایست که در کتاب است

کجای که کون کون مهر سعادت است
 تا زینده ان نماند و یوسف مهر ولایت
 از دست اهل سعادت با قلب تجویح
 و جسم جروح جرح بعد بدوح در میدان
 کجای که خون طبعه نظم
 از اوقات آن داشت
 در ایام ولایت آن سالک
 علاج هدایت که در بسیاری
 از غم و جوارح مهر بر سینه
 مذلت ننماد و چون تاریخ عراق
 معرفت و طهارت که با طالش
 میگردد شد یقین با بخارا است
 آه کجای که در شمشیر در آن نمود
 ازین وقت در پس هر یک از آن
 ظاهر است که در کتاب است
 و فخری که در کتب کهنه ایست که در کتاب است
 سینه دان ایست که در کتاب است
 و فخری که در کتب کهنه ایست که در کتاب است

